

مفلس شود تمام اموال و اشیاء و حسابهای او رسیدگی خواهد شد برای اینکه دارائی و قروض او را بطور صحیح معین کرده و از روی حقانیت و تناسب ما بین طلبکاران تقسیم شود و موسی الیهم پس از تمام این ترتیبات باید اسناد مطالبات را بعد از اخذ سهمی که بآنها میرسد مسترد دارند.

در صورت فوت یکی از رعایای طرفین تمام اشیاء او بحفاظت مأمور تجارتنی واگذار خواهد شد بجهت اینکه مشارالیه چنانچه متوفی قرضی داشته باشد آنرا تأدیه کرده و مابقی را موافق قوانین و رسوم مملکت خود بمصرف مقتضی برساند.

فصل ششم - در صورت وقوع جنگ مابین یکی از دولتین معاهدتین و یک دولت دیگری فقط بدین سبب بر مناسبات حسنه و مودت صادقانه و ثابتی که باید ابداً مابین دربارین ایران و اسپانیا برقرار باشد خلل و زیان و تغییری وارد نخواهد آمد.

فصل هفتم - این عهدنامه مودت و تجارت بعون الله تعالی بدون کم و کسر رعایت شده و طرفین آنرا ابدالدهر برقرار خواهند داشت بدون اینکه خلل یا مخالفتی بر مدلول آن وارد آید و وکلای مختار دولتین معظمتین معاهدتین قول میدهند که تصدیقنامهجات سلاطین خودشان را در ظرف پنجاه و در صورت امکان زودتر در اسلامبول مبادله نمایند.

(خاتمه)

پس از آنکه هفت فصل فوق مقرر و مرضی الطرفین گردید و کلای مختار مذکور این عهدنامه را که در دو نسخه بفارسی و اسپانیوی نوشتند و بامضاء و مهر آنها رسیده بود منعقد داشته و نسختین اصل را که بیک مضمون بود مابین خود مبادله کردند - در اسلامبول چهارم ماه مارس سنه ۱۸۴۲ مطابق ۲۱ محرم سنه ۱۳۵۸ .

امضاء میرزا جعفر

امضاء آنتونیو لویز دو کوردورا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اول و عضو دارالشورای اعلی حضرت کاتولیک منشی خاص پادشاهی و وزیر مختار دولت مشارالیه در باب عالی و غیره را بوزیر مختاری خود معین کردند. و مشارالیه بعد از اینکه اختیارنامه های خود را ارائه داشته و آنرا موافق قاعده و مرتب و بترتیبات شایسته یافتند این عهدنامه را که متضمن هفت فصل ذیل است برقرار نمودند.

فصل اول - بعدالیوم مابین ممالک و اتباع ایران و ممالک اسپانی و رعایای آن مودت کامله و مناسبات حسنه ثابته مؤیداً برقرار خواهد بود.

فصل دوم - رعایای دولتین معظمین معاهدتین از این ببعده میتوانند در کمال آزادی در مستملکات طرفین عبور و مرور نموده و در آنجاها بتجارت اشتغال ورزیده و خانه و مغازه و دکان بجهت کارهای خود اجاره نمایند بدون اینکه بهیچ بهانه و عذری از طرف کارگذاران محل ممانعتی رخ دهد - بلکه کارگذاران مزبور سعی و اهتمام کامل خواهند نمود که موسی الیهم را از هرگونه زحمت محفوظ دارند و از این جهت همیشه مواظب آسایش آنها بوده و نسبت به موسی الیهم نهایت احترام و بهترین رفتار را منظور خواهند داشت که هیچگونه ضرری اذیت یا اشکالی بر آنها وارد نیاید و بلا تأخیر و ممانعت تذکره و احکامیکه لازم میشود بآنها خواهند داد.

فصل سوم - رعایای دولتین معظمین از قبیل کسبه و تاجر و مسافر که به مستملکات یکدیگر میروند از زمان ورود الی خروج با مقتضیات پذیرفته شده و مورد رفتار شایسته خواهند بود و هیچوقت محل تحمیل هیچگونه مالیات و حقوق دیگری بهیچ اسم و رسم نخواهند بود - تجاریکه مال التجاره بممالک طرفین داخل و از آنجا خارج مینمایند حقوق گمرکی و سایر عوارض متعلقه را از همان قرار و بهمان ترتیب و رسوسی که در باره اتباع دول کامله الوداد منظور است تأدیه خواهند کرد.

فصل چهارم - محض تکمیل آسایش و اطمینان رعایائی که در خاک ممالک یکدیگر مسافریا مقیم میشوند دولتین معظمین حق خواهند داشت که هر یک دونفروکیل تجارتی در مملکت دیگری معین نماید - مشارالیهما در محلی که بجهت حمایت و حراست اتباع طرفین و حفظ منافع آنها بهتر دسترس باشد مقیم خواهند بود.

دولت علیه ایران اجازه خواهد داد که یکنفر وکیل تجارتی از طرف دولت اسپانیا در طهران و وکیل دیگری در تبریز برقرار شود.

و دولت فخیمه اسپانیا هم قبول خواهد کرد که یکنفر وکیل تجارتی در پایتخت خود که مادرید است و وکیل دیگری در بارسلن یا عوض این بندر در یک بندر دیگر مرجعی منصوب شود.

فصل پنجم - هرگاه مابین رعایای طرفین معظمین سرافعه و منازعه و مشاجره بظهور رسد که راجع بمنافع تجارتی یا بمنافع دیگری بوده باشد محاکمه و قطع آن جایز نخواهد بود مگر با اطلاع و یا دخالت وکیل تجارتی یا با حضور دروگمان دولت اسپانیا که از طرف مشارالیه معین میشود بعمل آید و طی این مواد تماماً موافق قوانین و عادات مملکتی خواهد بود.

اگر شخصی از اتباع دربارین معظمین اظهار ورشکستگی نموده (فاییت) یا

عهد نامه مودت و تجارت مابین ایران و اسپانیا

بتاریخ ۲۱ محرم ۱۲۵۸ هجری مطابق ۴ مارس ۱۸۴۲ تصدیق نامجات
در ۱۳ نوامبر ۱۸۵۰ میلادی مبادله گردید

فهرست مندرجات

فصل اول - مودت

فصل دوم - شرایط راجعه باتباع طرفین و تجارت و حفظ و حمایت موسی الیهیم .

فصل سوم - در باب مسافرو تجار دولتین - حقوقیکه بر مال التجاره تعلق
میگیرد

فصل چهارم - وکلای تجارتی و محل اقامت ایشان

فصل پنجم - محاکمات - افلاس و ورشکستی - ترکه اتباع دولتین

فصل ششم - وقوع جنگ با دولت ثالث

فصل هفتم - تصدیق عهدنامه و مدت آن

بنام خداوند قادر متعال

چون دولت ایران و دولت بهیمة اسپانیا مایل هستند که کلیة « بعموم رعیت و مخصوصاً » بتجار مملکتین منافع و فوائدی اعطا نمایند که از ترقی و توسعه صنعت و تجارت که ترعیب و تشویق آن یکی از مسائل مهمه دولتی است مترتب میشود چنین یافتند که بغیر از انعقاد عهدنامه که متضمن آن منافع باشد مقدمه دیگری مفیدتر نخواهد بود .

لهذا علی السویه مناسب دیدند که من بعد مابین دولتین معاهدتین و اتباع آنها بوسیله عهدنامه مودت و تجارت که مبنی بر عدالت و انصاف است اساس دوستی و ارتباط بر قرار باشد و برای انجام این مرام اعلیحضرت فلك رفعت شمس برج جلالت نخبه سلاطین زمان وارث تاج و تخت کیان صاحب اختیار ممالک و وسیع المسالك ایران ظل الله فی الارضین کھف الاسلام و المسلمین السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمدشاه قاجار ابدالله تعالی ایام سلطنته عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان وزیر مخصوص سھندس باشی عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت علیه ایران در دربار دولت عثمانیه دارای تمثال همایونی و نشان اول شیروخورشید سرتیپی و در حمایت افتخار سبز و سرخ و نشان درجه اول افتخار دولت علیه عثمانی و غیره و غیره را بسمت وزیر مختاری خود معین فرمودند و بدر منیر ابھت و آفتاب درخشان سلطنت شکوفه نونھال بوستان جلالت السلطان دنا ایزابل ثانی ایدالله تعالی ایام سلطنتها و بنام مبارک ایشان (دن بال دومرو اسپارترودوک دولاو ویکتورا ادمورلا) که در ایام صغیر سن اعلیحضرت ملکه نایب السلطنه مملکت هستند از طرف خود مسیو (ان تنی لپزدو کردورا) دارای نشان محترم شارل سوم و نشان ایزابل لاکاتولیک و نشان کریست دولت پرتو کال و نشان سور دولت یونان و نشان سن سولکر بیت المقدس و نشان افتخار دولت عثمانی از درجه

ses biens, de ses effets de ses comptes, pour en faire la liquidation requise et la juste répartition au prorata, entre ses créanciers, qui devront à la fin de tous ces actes remettre ses obligations après en avoir reçu le montant qui leur revient.

En cas de décès d'un de leurs sujets, tout ce qui lui appartiendrait sera remis à la charge de l'agent commercial pour que celui-ci, après avoir acquitté les dettes du défunt, s'il y en avait, en fasse l'usage convenable, conformément aux lois et coutumes de son pays.

Article VI.

En cas de guerre entre l'une des deux Hautes Puissances contractantes avec une autre, il ne sera porté, pour cette seule cause, atteinte, préjudice ou altération à la bonne intelligence et à l'amitié ferme et sincère qui doivent exister à jamais entre les deux Hautes Cours d'Iran et d'Espagne.

Article VII.

Le présent traité d'amitié et de commerce, sera, Dieu aidant, fidèlement observé et maintenu de part et d'autre à perpétuité, sans qu'il soit porté aucune atteinte ni contravention à son contenu, et les Plénipotentiaires des deux Hautes Cours contractantes s'engagent à échanger les ratifications Impériales à Constantinople, dans l'espace de cinq mois ou plus tôt, si faire se peut.

Conclusion.

Les sept articles précédents, ayant été stipulés et consentis réciproquement, les deux Plénipotentiaires mentionnés, ont conclu le présent traité, dressé en deux copies signées et scellées chacune en leur langue respective et ont échangé entre eux l'instrument authentique analogue.

Fait à Constantinople quatrième jour du mois de Mars 1842.
et de l'Hégire le 21 Moharrem 1258.

(L.S.) Mirza Djaffar

(L.S.) Antonio Lopez de Cordora

chands, commerçants ou voyageurs, se rendraient dans leurs possessions respectives, y seront accueillis et traités, dès leur arrivée jusqu'à leur départ, avec la distinction convenable, et ils ne seront jamais soumis à aucun impôt ou tout autre taxe sous aucun prétexte.

Les trafiquants qui importeraient ou exporteraient des denrées dans leurs États respectifs payeront les mêmes droits de douane et autres impôts y relatifs d'après l'usage et la forme observée envers les sujets des nations les Plus favorisées.

Article IV.

Pour mieux assurer la tranquillité et la confiance de leurs sujets respectifs établis ou voyageurs dans le territoire de chacune d'elles, les deux Hautes Puissances Contractantes se réservent la faculté de nommer deux agents commerciaux qui résideront dans les endroits les plus à portée pour protéger les dits sujets et veiller sur le bien être de leurs personnes et de leurs intérêts.

La Haute Cour d'Iran permettra qu'un agent commercial de la part du Gouvernement Espagnol soit placé dans la capitale de Téhéran et un autre à Tauris,

La Haute Cour d'Espagne consentira également à ce que un agent commercial soit placé dans la Capitale de Madrid et un autre à Barcelone ou, au lieu de ce dernier port, dans tel autre port Espagnol qui serait préféré.

Article V.

Toutes les fois que des contestations, disputes, ou procès s'élèveraient entre les sujets des deux Hautes Parties contractantes touchant leurs intérêts de commerce ou de tout autre genre, la cause ne pourra pas être décidée, ni jugée, qu'avec l'avis et l'intervention de l'agent commercial ou, au nom de celui-ci, qu'en présence du drogman de son Gouvernement, le tout conformément aux lois et aux coutumes du Pays.

Si un des sujets des deux Hautes Cours se déclare en état de faillite ou fait banqueroute, on Procédera à l'examen de tous

nom *Auguste* et pendant sa minorité, le Régent du Royaume, Don Baldoméro Espartero, Duc de la Victoire et de Morella, a nommé pour son Plénipotentiaire, Monsieur le Chevalier Don Antoine Lopez de Cordora, commandeur de l'Ordre Royal d'Espagne très distingué de Charles III, de l'Ordre américain d'Isabelle la Catholique, de ceux du Christ de Portugal, du sauveur de la Grèce, du St. Sépulcre de Jérusalem et décoré de la première classe du Nichan Iftikhar de l'Empire Ottoman, membre du Conseil de *Sa Majesté catholique*, son secrétaire effectif et son Ministre résident près la Sublime Porte etc. etc. etc.

Lesquels après avoir exhibé leurs pleins pouvoirs et les avoir trouvés en bonne et due forme, ont stipulé le présent traité, conclu dans les sept articles suivants.

Article I.

A dater de ce jour et à perpétuité, il y aura amitié parfaite et une constante bonne intelligence entre les États et les sujets de la Haute Cour d'Iran et les États et les Sujets de la Haute Cour d'Espagne.

Article II.

Les sujets des Hautes Cours Contractantes pourront désormais parcourir en Pleine liberté leurs possessions respectives, y exercer le commerce, louer des maisons, des magasins et des boutiques pour leurs affaires, sans qu'ils en soient, sous aucun motif ni prétexte, empêchés par les autorités locales, qui, de leur côté, mettront la plus attentive sollicitude à les préserver de tout désagrément, en veillant continuellement sur leur tranquillité et en leur prodiguant les plus grands égards et le meilleur traitement afin qu'il n'éprouvent dommage, entrave ou vexation d'aucune espèce dans leurs personnes. Ils obtiendront sans délai et sans obstacle les ordres et les passeports dont ils auraient besoin.

Article III.

Les sujets des deux Hautes Cours qui, en qualité de mar-

Article VII.

Ratifications- Durée du Traité.

Au nom de dieu Tout puissant

Les Hautes Cours d'Iran et d'Espagne désirant offrir à tous leurs sujets en général et aux négociants en particulier les avantages qui peuvent résulter par l'extension et l'augmentation de l'industrie et du commerce, dont l'encouragement et l'excitation est l'une des plus importantes affaires d'un État, ont jugé que rien ne pouvait procurer ces grands avantages comme la conclusion des traités qui les consignent.

En conséquence Elles ont résolu, d'un commun accord, qu'il y ait désormais, entre les dites deux Puissances Contractantes et leurs sujets respectifs, amitié et des communications mutuelles, par le moyen d'un traité d'amitié et de commerce basé sur des principes de justice et d'équité et atteindre ce but important, *Sa Majesté*, aussi élevé que le soleil, aussi resplendissant que le jour, la fleur des Monarques du temps, le successeur du trône et de la Couronne des Sultans Kéyaniens, le maître des vastes provinces de l'Iran, l'Ombre de Dieu sur la terre, le refuge de l'islamisme et des vrais croyants; *Mohammed schah Ghadjar*, (que Dieu perpétue son règne) a nommé pour son Plénipotentiaire, le très excellent Seigneur Mirza Djaffar Khan, son Ministre intime, inspecteur en chef du génie des armées persanes, son Ambassadeur et Ministre Plénipotentiaire auprès la Sublime Porte Ottomane, décoré du portrait de *S.M. le Schah*, chevalier de première classe de l'ordre du Lion et du Soleil, de Sertipi, des deux grands cordons rouge-vert et rouge de Perse, du Nichan Iftikhar de la Sublime Porte etc. etc.

Sa Majesté la Pleine Lune de la grandeur, le brillant Soleil de la Royauté, le bouton d'une fleur naissante du jardin de la gloire, la très Majestueuse et très magnifique *Reine* des Espagnes, *Dona Isabelle* seconde (que Dieu perpétue son règne) et en son

عهدنامه مودت و تجارت بین اسپانی و ایران

TRAITÉ**d'Amitié et de Commerce
entre la Perse et l'Espagne
signé****à Constantinople le 4 Mars 1842 et le 21
Moharram 1258.****Ratifications échangées le 13****Novembre 1850****TABLE DES MATIÈRES****Article I.**

Amitié

Article II.

Stipulations concernant les sujets respectifs et leur commerce ainsi que leur sécurité et protection.

Article III.

Condition relatives aux marchands et voyageurs- Droits exigibles des marchandises.

Article IV.

Agents Commerciaux; lieux de résidence.

Article V.

Juridiction -Faillite -Biens des sujets décédés.

Article VI.

Cas de guerre avec une puissance tierce.